

# فرخنده باد جشن اول ماه مه

## روز همبستگی بین المللی کارگران روز حمتکشان جهان!

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت جشن اول ماه مه

دوست سراسر جهان، که از انقلاب ضدامپریالیستی-دموکراتیک و خلقی مردم ایران دفاع میکنند، صمیمانه درود می‌فرستیم. طبقه کارگر و مردم مبارز ایران اسامی، روز اول ماه مه را، با شعار اتحاد برپایه مبارزه با امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برگزار میکنند.

امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی آن با زیر پا گذاشتن همه اصول بین‌المللی و تکیه بر راهزنی آشکار، کشور ما را در محاصره اقتصادی قرار داده‌اند و ایران را به محاصره دریایی و نظامی و مداخله جنگی تهدید میکنند. آمریکا حریم هوایی کشور ما را نقض و دست‌های راهزن خود را در مرکز ایران پیاده کرده است. طبقه کارگر ایران این تجاوز و راه زنی آشکار را بشدت محکوم میکند و اتخاذ تصمیمات هرچه قاطع‌تری را برای پایان دادن به تجاوزات امپریالیسم علیه ایران طلب میکند.

تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به‌خاک ایران با شرکت پنتاگون، سازمان جاسوسی سیا و برخی متحدان غربی، زمین-سازیهای اسرائیل، مصر و رژیم بعثی عراق و دیگر کشورهای دست‌نشانده آمریکا در منطقه، حلقه‌ای از یک زنجیر خطرناک توطئه برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی ایران است. کام اول این توطئه با شکست مقتضای خاتمه یافت. اما خطر همچنان باقیست و مقیاس آن فوق‌العاده است. باید با تجویز تمام‌نیرو-های خلقی و انقلابی به‌مقابله با این خطر عظیم برخیزیم.

باید برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد بشویم. تشکیل جبهه اتحاد ضدامپریالیستی کلیه نیروهای خلق به منظور حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ضرورت ناخیرناپذیر روز است.

طبقه کارگر ایران و حزب سیاسی آن - حزب توده ایران- در لحظه خطرناک کنونی آماده‌اند تا با تمام قوا و با همه امکانات و اشکال از موجودیت جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند و رهنمودهای قاطعانه امام خمینی را در طرد کامل توطئه-های شیطان بزرگ از ایران به اجرا درآورند.

همزمان با تشدید توطئه‌های امپریالیسم آمریکا از خارج، ضدانقلاب و ارتجاع داخلی، مرکب از سرمایه‌داران وابسته، زمین‌داران بزرگ، ساواکیها و باقیمانده‌های رژیم‌شاه مخلوع، بوروکراتهای اداری و لیبرالهای خودفروخته، با استفاده از حفظ مواضع خود در جامعه و دولت و نیروهای مسلح به خرابکاریهای خود علیه رژیم جمهوری اسلامی افزودند. ضد انقلاب همراه عناصر اخلاک‌چرپنا به ایجاد هرچه مرجع در کشور دامن می‌زنند، جنگ برادرکشی را علیه ملل اقلیت توسعه میدهند، در دانشگاهها حادثه‌آفرینی میکنند و هر روز بنوعی به مقاومت‌های مذبحخانه تازماری در برابر انقلاب دست می‌زنند. اینان در اقتصاد کشور کارشکنی میکنند، چرخهای تولید داخلی را متوقف می‌سازند، به تخریب عمدی درصنایع کلیدی کشور مانند نفت مشغولند، بیکاری را دامن می‌زنند، در امر توزیع کالا و محصولات مورد نیاز عموم اختلال میکنند و به احتکار و گرانی پرداخته‌اند، تا عدم رضایت توده مردم را برانگیزند.

امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی، دست در دست هم، تمام نیروی جبهی خود را برای ایجاد هرچه مرجع اقتصادی، مالی، اداری و فرهنگی در سطح کشور بکار گرفته‌اند و تیشه به ریشه درخت نوپای انقلاب می‌زنند. کارگران و زحمتکشان ایران این توطئه‌ها را بشدت محکوم میکنند و آمادگی کامل خود را برای پاسداری از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن به‌قیمت جان اعلام میدارند.

طبقه کارگر ایران و حزب سیاسی آن - حزب توده ایران - با بیداری و هشیاری توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی را قاش می‌سازند، به مردم و نیروهای مسئول حفظ انقلاب، شورای انقلاب، ریاست جمهوری، دولت و همه ارگانهای انقلابی هشدار میدهند.

حزب توده ایران بکرات متذکر شده و باز هم میشود که تثبیت پیروزیهای انقلاب و سرکوب توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع در ایران، منوط به اتخاذ و اجرای شی قاطع‌انق در همه شئون زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. بدون طرد کامل امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، از مواضعی که در اقتصاد ایران، نیروهای نظامی و امنیتی، در نفت و بازار ایران، در دستگاههای اداری و خصوصی کشور دارد، نمیتوان پیروزی‌های انقلاب ایران را تثبیت‌شده دانست.

- بدون طرد سرمایه‌داری وابسته از مواضع اقتصادی و مالی و سلب مالکیت از آن در همه زمینه‌ها،  
- بدون اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک بود دهقانان زحمتکش،

- بدون حل دموکراتیک مسئله ملی و واگذاری حق خودگردانی به ملل اقلیت، چنانکه امام خمینی بر آن صحنه گذاشته‌اند،  
- بدون بازسازی و نوسازی اقتصاد کشور در جهت تثبیت استقلال اقتصادی، رشد اقتصادی (بهبود زندگی زحمتکشان)،  
- بدون دخالت دادن توده‌های عظیم کارگران و زحمت-کشان شهر و روستا از طریق سازمانهای طبقاتی و صنفی آنان در پاسداری از انقلاب،

- بدون شرکت دادن همه نیروهای راستین انقلابی، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی، از طریق ایجاد جبهه متحد خلق در اداره امور کشور،  
نمیتوان جبهه مقاومت جدی، موثر و کارساز علیه توطئه-های ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم حامی آن بوجود آورد.

بقیه در صفحه ۱۰

### اتحاد طبقه کارگر شرط ضروری برای پیروزی انقلاب ایران است

در برابر طبقه کارگر  
قهرمان ایران وظیفه‌ای  
بزرگ، فریغ و حیاتی  
قرار دارد. مسئولیتی که با  
اطمینان میتوان گفت در  
تمام مراحل مبارزات کارگران  
میبین ما از لحاظ زوفا و  
گسترده‌گی کمتر نظیر داشته  
است.

امپریالیسم آمریکا با تمام  
نیروی آمریمنی خود میکوشد تا  
حلقه محاصره اقتصادی و نظامی  
ایران را هرچه بتواند تنگتر کند.  
شیطان بزرگ تمام مظاهر فساد-  
بقیه در صفحه ۱۰



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۳  
شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

### کارگران و زحمتکشان ایران پیشاهنگ مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب ایران اند



### اخبار، گزارشات و تحلیل‌های سیاسی روز در صفحات ۵، ۶، ۷، ۸ چاپ شده است

#### در صفحات مخصوص روز اول ماه مه

- نقش طبقه کارگر در تکامل جامعه و در جبهه متحد خلق
- جشن اول ماه مه، مظهر انترناسیونالیسم پرولتری
- به یاد شهدای طبقه کارگر - آنان که جان خود را فدای پیروزی انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران کردند
- طبقه کارگر و مهم‌ترین خواست‌های اقتصادی او
- شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکاها و اتحادیه‌ها) ضرورت ناخیرناپذیر انقلاب ایران است
- ... و اشعاری در باره اول ماه مه

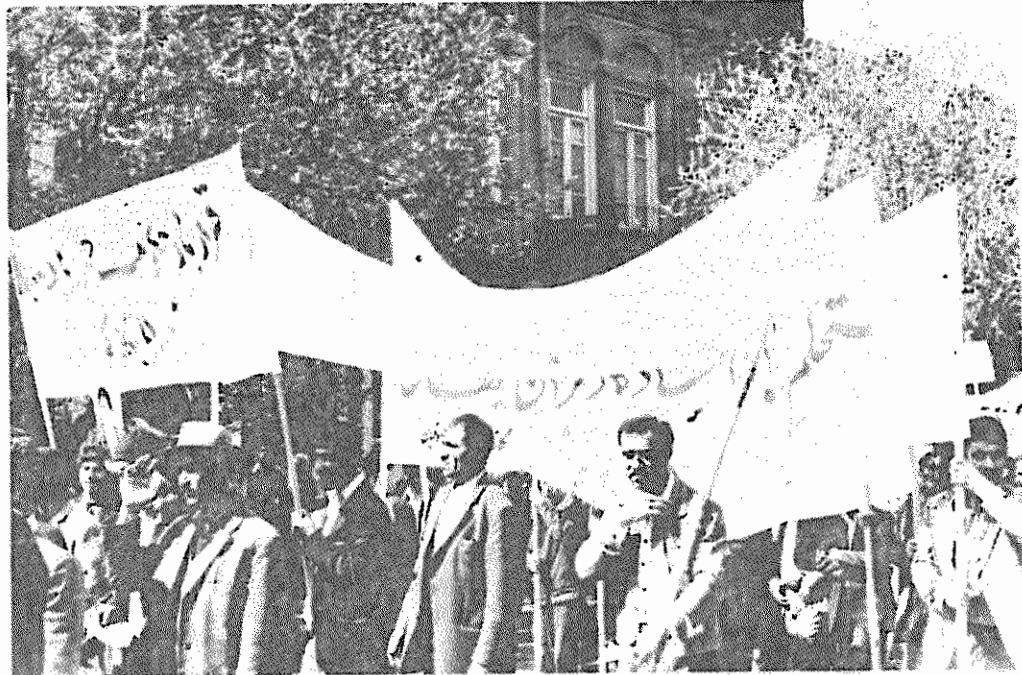
### اول ماه مه و وحدت کارگران و دهقانان زحمتکش

- وحدت سرنوشت‌ساز و ستون فقرات جبهه یگانه همه نیروهای انقلابی
- بند مشخص ضدامپریالیستی این اتحاد در مرحله کنونی

اول ماه مه، روزیکاروهمبستگی کارگران، روزنبرد و وحدت عمل همه زحمتکشان ومنجمله دهقانان زحمتکش است. کارگران سراسر جهان در مبارزه تاریخی دوران ساز خود برای نجات تمامی بشریت از یوغ استویره‌کشی به‌متحدین و فداکاری متکی هستند، که دهقانان زحمتکش در راس این متحدین قرار دارند. در واقع اتحاد بین طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش، در هر جا که عملی شده، توانست است ضربات سنگینی بر پیکر امپریالیسم سرمایه داری، استعمار و نواستعمار وارد آورد و راه رهایی از ستم طبقاتی و ملی، راه زندگی آزاد و سربلند و سعادتمند را بگشاید. این اتحاد پر شالوده منافع مشترک طبقاتی طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش امکان‌پذیر و عملی است. منافع طبقه کارگر بریدن بقیه در صفحه ۱۰

## پرای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

# تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکاها و اتحادیه ها) ضرورت تأخیر ناپذیر انقلاب ایران است



تظاهرات در نخستین اول ماه مه پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸/۲/۱۱) در تبریز



تظاهرات در نخستین اول ماه مه پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸/۲/۱۱) در قالمشهر

**تشکل ۵ تا ۶ میلیون نفر کارگر و زحمتکش ایران در انجمن های صنفی (سندیکاها و اتحادیه ها) ضرورت تأخیر ناپذیر انقلاب است.**  
تثبیت پیروزی انقلاب، تأمین خواستهای رفاهی کارگران و بر خورداری طبقه کارگر از فعالیت سیاسی در مرحله کنونی تحول جامعه انقلابی ایران، از جمله در گرو چنین تشکلی است.

جامعه انقلابی ایران امروز نیازمند پیشرفت سریع در امر تشکیم استقلال سیاسی و کسب استقلال اقتصادی است. هدفهای انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی در کشور مختلف زندگی اقتصادی، سیاسی، اداری، نظامی و فرهنگی هر چه سریعتر باید تحقق پذیرد. انقلاب باید قادر گردد که چپه مقاومت جدی، مؤثر و کارساز را علیه تهاجم امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی بوجود آورد.

نیل به هدفهای فوق از جمله در گرو ایجاد توازنسی انقلابی در تناسب تشکلهای طبقاتی بود پس از گذشت ناپذیر ساختن روند اعتلائی انقلاب، تدارک شکست قطعی امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی و تأمین پیروزی نهائی بر آنست.

میتوان به ساحت گفت که حلقه اساسی در این کار تشکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر است. هر چه زودتر کارگران ایران بصورت طبقه ای آگاه پرموقعیت و نقش تاریخی خویش در سازمانهای صنفی و سیاسی تشکل یابند و مالک سازمانهای منسجم طبقاتی خود شوند، نیل به هدفهای یاد شده سهلتر، سریعتر و مطمئنتر خواهد بود.

حزب توده ایران در مرحله کنونی انقلاب، تسریع روند تشکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر را وظیفه اساسی و عهده خود تلقی میکند. حزب توده ایران کوشاست که این تشکل، به معنی واقعی کلمه، هر چه زودتر از قوه بقل درآید.

در پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی در کشور ما، طبقه کارگر ایران در هفتاد سال گذشته، از آغاز جنبش کارگری در ایران، با مبارزات مداوم و بدون وقفه خود در تکوین و تداوم پیروزی انقلاب کنونی سهم ارزنده داشته است. در مبارزه علیه رژیم کودتای شاه مخلوع در ربیع قرن گذشته، کارگران نقش اساسی داشتند. در مرحله نهائی پیروزی انقلاب بر رهبری قاطعانه امام خمینی، طبقه کارگر نقش نیروی ضریبی را ایفا کرد و با تالیق اعتصابات عظیم سیاسی با تظاهرات میلیونی خلق ضربه نهائی را به ارتجاع دست نشانده سلطنتی و امپریالیسم حامی آن وارد ساخت. اینها حقایق آشکار و مورد قبولند، که حتی دشمنان طبقه کارگر نیز بدان اعتراف دارند.

طبقه کارگر ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب، در پاکسازی جامعه از بقایای رژیم دست نشانده و تسلط امپریالیسم، در نوسازی جامعه بصورت استقلال و منافع زحمتکش و همچنین تضمین مواضع انقلاب در برابر تلاشهای مذبذبه حاکم امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی می توانست نقش بهر اتب مهمتری را به عهده داشته باشد. اما ایفای چنین نقشی مستلزم آن بود که طبقه کارگر از تشکل صنفی و سیاسی برخوردار باشد و حداقل قدرت سازمانی را، چه در زمینه سازمانهای وسیع صنفی (سندیکاها و اتحادیه ها) و چه تشکل در حزب سیاسی خود، در اختیار داشته باشد.

امر اخیر البته در صورتی امکان پذیر بود و تحقق می یافت که در دوران طاغوت طبقه کارگر و سازمانهای صنفی و سیاسی آن اقل از حداقل آزادی فعالیت برخوردار میبودند، لیکن چنانکه میدانیم، طبقه کارگر ایران سازمانهای اصیل صنفی و سیاسی آن، سندیکاها و اتحادیه های حقیقی و حزب توده ایران، در تمام دوران تسلط رژیم کودتا مورد شدیدترین و خصمانه ترین پیگردهای خویشین پلیسی قرار گرفتند. رژیم ننگین شاه مخلوع، با استفاده از توصیه های امپریالیسم آمریکا و کمک سیا و سازمان امنیت دست پرورده آن، از هیچ پیگردی علیه طبقه کارگر ایران، که مبارزین توده ای در پیشاپیش آن قرار داشتند، خودداری نکرد.

در ربیع قرن تسلط طاغوت هناران هنر افرازمین مومن سندیکائی و اتحادیه ای مورد تعقیب و پیگرد شدید پلیسی قرار گرفتند.

فعالین اتحادیه ای و اعضاء حزب توده ایران سالهای طولانی عمدا در تبعیدگاه ها و زندان ها نگاه داشته شده، حتی سر به نیست شدند. رژیم کودتا با دخالت پلیسی در سندیکاها و اتحادیه های کارگری تا توانست در جهت بی اعتبار ساختن سازمان های صنفی و سیاسی کارگران اقدام کرد.

رژیم شاه مخلوع همانطور که فعالیت احزاب سیاسی را با تشکیل احزاب قلابی دولتی بصورت مسخره در آورد، همانطور هم فعالیت صنفی طبقه کارگر را با ایجاد سندیکاها و اتحادیه های دولتی و ساواک زده و سازمان های دروغین، در نظر کارگران خوار و ناچیز ساخت.

شیوه اخیر بی اعتبار ساختن سازمان های صنفی طبقه کارگر، بویژه در قشر وسیع کارگری که در سالهای تسلط طاغوت از کار در کشاورزی و تولید کوچک در هر چه شده و به صنایع جلب میشدند اکثریت عظیمی از کارگران را شامل میشود، موثر افتاد. اینان که از آگاهی طبقاتی محروم نگاه داشته شده بودند، بجای آنکه میبوستند در داخلتهای پلیسی رژیم در سازمانهای صنفی و محروم نگاه داشتن کارگران از ایجاد سندیکا و اتحادیه های اصیل مشاهده کنند، گناه وضع سخت و طاقت فرسای تحمیل شده بخود را متوجه سازمان های صنفی دانسته، از تشکل در این سازمان ها رو برگردانند. همین امر باعث شده که هنگامی که درائی اوج مبارزات انقلابی امکان ایجاد سندیکاها و اتحادیه های واقعی ایجاد شد، کارگران از تشکل در این سازمان ها استقبال شایانی نکردند. بنوبه خود تشکلان کادر ورزیده مومن سندیکائی و اتحادیه ای نیز، که در سالهای تسلط رژیم ننگین شاه مخلوع به شدت تحت پیگرد پلیسی قرار گرفته بودند، تا آن گدی که سندیکاها و اتحادیه های واقعی در جریان اوج مبارزات انقلابی ایجاد شوند و طبقه کارگر ایران از داشتن سازمان های وسیع توده ای صنفی در سطح کشور برخوردار گردد. علاوه بر ایجاد شوراهای در جریان انقلاب، که البته از جهت دیگری پیدایش آنان

شورائی را نیز برای شرکت در نظارت و مدیریت تولید و خدمات اجتماعی مورد استفاده قرار دهند.

نهادهای سندیکائی و شورائی، هر دو نهادهای انقلابی ضرورت برای دفاع از انقلاب ایران و نوسازی جامعه ایران بر مبنی دفاع از استقلال ملی، آزادی و حقوق زحمتکشان اند. طبقه کارگر ایران هر دو این سلاحهای کارساز را در تشکل طبقاتی و شورائی یکدیگر بکار میگیرد، تا بتواند جای بر جسته خود را در مرحله کنونی انقلاب خالی نگذارد و نقش تاریخی خود را در عظیم گذشتن توطئه های امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی و نیل به هدفهای خلقی انقلاب بدرستی و با موفقیت ایفا کند.

**تشکل صنفی طبقه کارگر ایران تنها از جهت حفظ انقلاب و تحقق هدفهای ضد امپریالیستی و خلقی آن ضرورت نیست.**  
تشکل صنفی طبقه کارگر ایران همچنین از نظر تغییر اساسی در شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کار پیدی و فکری و رفاهی آنان از استعمار و حشینه امری حیاتی است.

۲۵ سال تسلط رژیم دست نشانده شاه مخلوع همه جامعه ایران، بویژه طبقه کارگر را در شرایط استثمار و حشینه و مضاعف نگاه داشته بود. کارگران ایران از یکطرف با غارت و استثمار شدید از جانب دول امپریالیستی و سرمایه های انحصاری مواجه بودند، که بیمه شئون اقتصادی کشور رخنه کرده بودند. از جانب دیگر سرمایه داران وابسته، بوروکراتهای نظامی و دولتی و دربار پهلوی کارگران را زیر شدیدترین و بیرحمترین استثمار و غارت قرار داده بودند.

ظلم و استثمار مضاعف در تمام دوران تسلط ۲۵ ساله ایران در مدت ربع قرن گذشته از تحصیل هر نوع بیبودی در شرایط کار و زندگی خود محروم ماندند. در ۲۵ سال گذشته نه تنها قوانین تازه ای در زمینه کار و تأمین اجتماعی بصورت کارگران وضع و به اجرا گذاشته نشد، بلکه در قوانینی که قبل از تسلط رژیم کودتا، بر اثر مبارزه خود کارگران وضع و تصویب شده بود، تغییرات وسیعی بزیان کارگران بعمل آمد.

ظلم و استثمار مضاعف در تمام دوران تسلط ۲۵ ساله رژیم پهلوی را ضمای اصلی وضع قوانین ضد کارگری در همه زمینه ها بود، چه در زمینه استثمار و غارت دسترنج کارگران رچه محروم داشتن آنان از شمول همان قوانین موجود کار و بیمه و چه زدنی آشکار از مستزاد و حق بیمه های کارگران و محروم داشتن آنان از انجام تمهیداتی که بعهده دولت و کارفرما بود.

نتیجه آنست که پس از گذشت یک ربع قرن، در حالیکه توده های بسیار وسیع تری به دایره تولید صنعتی و خدمات جلب شده و رواجدهای بزرگ صنعتی در مملکت ایجاد گردیده و طبقه کارگر بصورت کثیرالعدد ترین طبقه جامعه درآمده است، معذالک شرایط کار و زندگی طبقه کارگر عملا در همان وضع قرون وسطائی باقی مانده است. روزگار ساخته تا همین امروز در سطح کشور مجری نیست، تاچه رسد به هفته کار ۴۰ ساعته، که از خواستهای قانونی کارگران است. کارگران کشاورزی، ساختمانی و خدمات کارگران کارگاهی که کمتر از ده نفر بکارگر دارند، تا همین امروز، با اینکه از تصویب قانون کار در سال ۱۳۲۵ نزدیک به ۳۵ سال میگذرد، از شمول قانون کار محرومند.

در سطح کارخانه ها و کارگاهها، گذشته از آنکه از کارگران روزانه ۱۴ تا ۱۶ ساعت و بیشتر کار کشیده میشود و هنوز هم جرائم و مقوله نامه هایی که کارگر را آجیر و برده کارفرما میسازد، جریان دارد، میلیونها کودک و جوان دختر و پسر زیر ۱۵ سال نیز در کارگاههای قالی بافی، کارگاههای پیشه وری و خدمات اشتغال دارند و با دریافت دستمزدهای بسیار ناچیز بشدیدترین وضعی استثمار میشوند. زنان در کارگاههای شاق و سخت شبانه بکار گمارده میشوند و از آنان با پرداخت دستمزدهای کمتر از نصف دستمزدهای مردان بهره کشی میشود. کارفرمایان حتی در کارگاههای بزرگ به ایجاد شیرخوارگاه و مهد کودک برای زنان کارگر اقدام نکرده اند، تاچه رسد بکارگاههای کوچک.

دستمزد کارگران بیچونجه در حدی نیست که با هزینه زندگی توافق داشته باشد. تازه همین دستمزدها نیز به اشکال مختلف مورد غارت کارفرمایان قرار میگیرد. هنوز در کارگاههای ایران بجای دستمزدهای کارگران جنس میدهدند، پرداخت دستمزدها که باید هر پانزده روز صورت گیرد، ماهها بتأخیر انداخته میشود و بالاخره به پرداخت میگردند. نرخ استثمار در کارخانه ها و کارگاهها بعد غیر قابل تصور بالاست و این امر از عوامل مهم فقر مطلق کارگران در کارگاههای کار دستی و پیشه وری و قلمرو است. در سطح کارگران کارخانه ها و موسسات نوین صنعتی است.

وضع مسکن، بهداشت، سواد و آموزش کارگران، به معنی واقعی کلمه غیر قابل تحمل باقی مانده است. میلیونها کارگر در بیوفه ها زندگی میکنند و از بهداشت محرومند قشر عظیمی از کارگران بیسوادند. به تخصصیاتی حرفه ای کارگران کمترین توجهی نشده است. بدین جهت طبقه کارگر ایران عملا در سطح نازل از سواد و تخصص، فنی نگاه داشته شده و این امر خود از عوامل مهم عقب ماندگی کارگران در زمینه آگاهیهای اجتماعی و فنی و سیاسی است.

همه روزه در کارگاهها و کارخانه ها صد ها کارگر، به دلایل عدم رعایت اصول بهداشتی و فنی و ایمنی کار، با خطر از دست دادن جان، از کار افتادگی دائمی و متواحه اند. بازرسی کار عملا وجود خارجی ندارد. حقوق کارگران در زمینه تأمین بیمه های اجتماعی رعایت نشده و قوانین موجود بیچونجه با شکوهی حواص جامعه صنعتی نیست. چالب اینکه، کارگران با اینکه از دستمزدهای خود حقیقی و بقیه در صفحه ۱۱

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش کارگران سنگینی میکند شورای انقلاب و ریاست جمهوری با تصمیمات فوری و قاطع باید زحمتکشان را از زیر این بار سنگین نجات دهد**

# باید آماده دفع خطر بود

# خطر آمریکا

## باقی است جدی است فوری است

عملیات نظامی آمریکا نافرجام مانده، اما آمریکا شکست نخورده است. خطر همه گشته اقدام آمریکا و بویژه دخالت نظامی، که هر روز بیشتر در دستور روز قرار میگیرد، همچنان باقی است. مقامات آمریکایی صریحاً به این امر اعتراف کرده اند و میگویند: سعی کرده ایم و سعی خواهیم کرد اثر وسیله های برای آزاد ساختن گروگانها استناد کنیم.

(کارتی - کیهان، ۶ اردیبهشت)  
«زیادت امکان از سرگیری يك عملیات نظامی علیه ایران را رها کرده است.»

(جودی پاول، سخنگوی کاخ سفید انقلاب اسلامی، ۸ اردیبهشت)  
«خارج ساختن گروگانها از سفارت موضوع رایجی بوده خواهد کرد، اما عملیات آینده را ملغی نخواهد کرد.»

(نیلینده پتاکون - انقلاب اسلامی، ۸ اردیبهشت)  
**خطر هجوم نظامی آمریکا جدی است**

امریالیستها تدارکاتین امر را دیده اند: «هارولد براون وزیر دفاع آمریکا سحرگاه دیروز بدنبال شکست عملیات نجات گروگانهای آمریکایی در تهران اعضای ستاد فرماندهی خود را در پنتاگون احضار کرد. این اجلاس تا ساعت ۴:۳۰ بامداد دیروز همچنان ادامه داشت.»

(بامداد - ۶ اردیبهشت)  
«ایالات متحده حضور نظامی خود را در آبهای ساحلی ایران تویت میکند.»

(خبرگزاری تاس - ۹ اردیبهشت)  
«آمریکا برای حمله به ایران آماده میشود.»

(خبرگزاری نووستی - بامداد - ۹ اردیبهشت)  
«ناو هواپیمای گانتالیس و شش ناو جنگی بدلیل آن و ناو هواپیمای آیزنهاور، همراه کشتیهای چمبرز به موشکی هدایت شونده کارولینای جنوبی و ویرجینیا وارد اقیانوس هند شده اند.»

رئیس جمهور ایالات متحده به آنها دستور داده است که به نیروهای نظامی دریایی آمریکا، که در نزدیکی ساحل ایران مشرف شده اند، پیوندند.

(آزادگان، ۹ اردیبهشت)  
**این خطر فوری است:**

«آمریکا همچون گذشته دولت ایران را مسئول سلاطین جان گروگانها میداند و از طرفی مصمم است در اولین فرصت ممکن یار دیگر تلاشهای خود را جهت نجات گروگانها از سر بگیرد.»

(جودی پاول، اطلاعات - ۶ اردیبهشت)  
«اما دولت ایران را مسئول حفظ جان و آزادی گروگانها میداند که در چنین مدت طولانی در اسارت بسر برند. دولت آمریکا مصمم است در اسرع وقت ممکن وسیله آزادی آنها را فراهم کند.»

(کارتی، کیهان، ۶ اردیبهشت)  
**امپریالیسم برای این حمله به ضد انقلاب داخلی ایران تکیه دارد:**

«مستون پنجم ایران در هرتوغ حمله از جانب آمریکا به سفارت آماده همکاری هستند.»

(سناتور جان کیلین، کیهان، ۷ اردیبهشت)  
**برای مقابله با این خطر و دفاع از انقلاب ایران در جبهه متحد خلق علیه امپریالیسم متحد شویم**

## بمبهای ضد انقلاب را باید با اتحاد خود بی اثر کنیم

برادرکشی و اقداماتی دیگر از این قبیل در تضعیف جمهوری اسلامی و بالتبعیه در تقویت ضد انقلاب داخلی و خارجی میگویند. هر کس در این سناریو، که بدست سرویسهای جاسوسی امپریالیستی و زیر نظارت کمیته مخصوص سیا در ایران پیاده میشود، نقش دارد و این نقش را بخوبی اجرا میکند. حوادث نشان میدهد که عوامل جاسوسی امپریالیستی در اکثر تاسیسات جمهوری اسلامی رخنه کرده اند و بسیاری از صحنه های این سناریو زیر عناوین مختلف بدست آنان پیاده میشود. بمب گذاری در تهران بخشی از این سناریو است. ضد انقلاب قدرت نامی میکند و با انفجار بمبها میخواهد نیروی خود را پیشم بکشد، و این درست در زمانی است که ماجراجویی طیس بافتضاح

بمب گذاری در تهران، که منجر به مرگ چهار نفر و زخمی شدن ۲۸ نفر از هم میمنان یگانه ما شد، حلقه دیگری از زنجیر سیاسی ضد انقلاب بر ضد آزادی و استقلال ایران است. بر این جنایت باید از دیدگاه منافع ضد انقلاب نظر افکند و تنها در آن صورت است که میتوان فاجعه را در تمام ابعاد آن ترک کرد.

امروز تمام نیروهای مردمی متفقاً اقرارند که بین شبکه داخلی و خارجی ضد انقلاب ارتباط گسترده ای وجود داشته و دارد، و هر دوسوی این شبکه اقدامات خود را هماهنگ کرده و میکنند. آنچه تاکنون از فعالیت این شبکه روشن شده اینست که ضد انقلاب میخواهد با تضعیف جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور، جو مساعد را برای ایجاد ضربه نهایی با انقلاب ایران فراهم سازد. هر یک از مبره های ضد انقلاب در ایجاد این جو نقش مینی ایفا میکند. برخی با رو در روی قرار دادن گروههای اجتماعی و ایجاد هرج و مرج، برخی با تمهت زدن بدستوران خارجی انقلاب ایران، گروهی دیگر با دامن زدن به جنگ های

# جبهه جهانی سیاسی - تبلیغاتی وسیعی را باید بر ضد امپریالیسم، بسر کردگی آمریکا، گشود

درباسخ به پیام امام و در اجرای رهنمودهای رهبر انقلاب، آقای ابوالحسن پنی صدر رئیس جمهور، ضمن بیانیه ای اعلام داشتند که برای دبر انگیزتن و جدان عمومی بشری به مخالفت با رویه مداخله جویانه آمریکای متجاوز اقداماتی انجام خواهد گرفت از این قبیل:

- دعوت از دفتر کشورهای اسلامی به ایران برای ملاحظه آثار تجاوز آمریکا.
- دعوت از کشورهای غیرمتهد به اجلاس فوق العاده.
- دعوت از دبیر کل سازمان ملل متحد برای فرستادن هیاتی به ایران.
- دعوت از جامعه اروپائی و ژاپن برای ملاحظه آثار تجاوز.
- دعوت از سندیکاها و نهضت های رهایی بخش و احزاب مستقل و متهد برای فرستادن نماینده به ایران و ملاحظه دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران و ملاحظه آثار جنایات آمریکا.
- این اقدامات، بویژه دعوت کشورهای غیرمتهد به تشکیل اجلاس فوق العاده و دعوت از سندیکاها، نهضت های امیل رها بخش و احزاب مستقل و متهد، بویژه احزاب اصیل کارگری، که بر ضد حکومت انصار های امپریالیستی و حکومت های دست نشانده و پخساطر استقلال و آزادی کشورهای خودی رزمنند، لازم و مفید است.

## شبکه گسترده و فعال ضد انقلاب شرایط را برای ضربه نهایی امپریالیسم آمریکا آماده میکند

ضد انقلاب آشکارا در میدان است. بدون کمترین تردید، اقدامات گسترده ضد انقلاب، که همه روزه شاهد آن هستیم سازمان یافته است. هجوم نظامی آمریکا در روزهای اغتشاش دانشگاهها و حمله به مراکز سازمانها و احزاب سیاسی به روشنی تمام نشان داد که شبکه نیرومند ضد انقلاب داخلی با امپریالیسم خونخوار آمریکا رابطه بسیار نزدیکی دارد.

آنچه پس از شکست هجوم آمریکا فاش شده، به خلفای ایران نشان داد که ضد انقلاب در ایران تاجه حد نیرومند است و چگونه در رابطه تنگاتنگ با امپریالیسم عمل میکند. اتفاقات سالن و بویژه رویدادهای دانشگاه و حمله نافرجام آمریکا روشن ساخت که ضد انقلاب با اردیگر موفق به ایجاد سازمان شده است. سازمانی که اشغال لانه جاسوسی آمریکا به آن ضربه مهلکی زده بود، با یاری ساواکیهای آزاد شده، که در میان آنها دمنزهای متفکر، ساواک هم کم نیستند، با رویکی اجیاء شده است. همه اینها نشان میدهد که دشمن اصلی آماده شد. است. ضربه قطعی و نهائی را وارد آورد و نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کند.

سازمانیکه امروز با این صورت خطرناک برای انقلاب ما در آمده است، حاصل فعالیت جاسوسان سپاه است، که در همان روزهای پس از پیروزی انقلاب سرعت خود را به همین مارساننداند حزب توده ایران، روز ۲۶ بهمن، یعنی ۳ روز پس از پیروزی انقلاب، این توطئه را فاش و اعلام داشت. بطوریکه اطلاع یافته ایم، پس از پیروزی انقلاب، سازمان جاسوسی امریکا موفق شده است ۱۳۵ نفر از مبرزترین جاسوسان خود را، که کارشناس

ولی بنظر ما باید در همین جهت اقدامات گسترده تری در سطح جهانی انجام گیرد، چنانکه جبهه جهانی سیاسی - تبلیغاتی وسیعی علیه امپریالیسم آمریکا و متحدین آن و در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گشوده شود.

دشورای امنیت، محکوم ساختن آمریکا مسلماً از طرف آمریکا و تو خواهد شد. آنگاه دولت ایران حق دارد مسئله را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح سازد. بیش از ۱۴۰ کشور در این مجمع، توسط نمایندگان خود، حضور دارند. در این جا جبهه وسیعی

بقیه در صفحه ۶

## در دو مین بهار آزادی

باشرکت فعال خود  
روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان سر اسر جهان  
را با شعار

اتحاد بر پایه مبارزه با امپریالیسم جهانی،  
بسر کردگی امپریالیسم آمریکا  
هر چه باشکوهتر بر گزار کنیم

باین مناسبت ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ در تجمع میدان امام خمینی (میدان سپه سابق) که آغاز راهپیمایی به طرف جاسوسخانه آمریکا است، شرکت خواهیم کرد  
کمیته برگزاری جشن اول ماه مه منتخب سندیکاها و شوراهای کارگران و کارکنان تهران و حومه

## سرود کارگران

ای آشنایان زندگی  
خیزید و روی دگر کنید  
حقیقت شما، ستم کند فنا (۲)  
پرچم بلند کارگر  
زیبا کند روی زندگی  
جهان شود از او بسی خوش و نکو (۲)  
زنجیر غم بر پیکرش  
با اینهمه جور و ظلم و فقر  
سروود کارگر، فسانه سر بسر (۲)  
ما پرتوان و پر رمق  
هممی کنیم ظلمت فنا  
که بر شود زجا، زمین و آسمان (۲)  
مار و حور در دریم و رنج و غم  
اکنون قدم در راه نهیم  
به ضد بندگی به شوق زندگی (۲)

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق







# در این روز اول ماهه

نام مرا تمام جهان می‌داند،  
نامی به سادگی خاک  
نامی بروشنی آفتاب و آب؛

من هستم!  
در «کیپ‌تاون»  
و «هارلم» و «مفیس»  
رنگم سیاه سیاهست،  
در «کتاک» و «میسوری» سرخم،  
در «تایبه» زردم  
و در «اتوا» سپید،  
فرقی نمی‌کند؛  
باید میان اسکله‌ها،  
یاند میان بندر و بارانداز  
به ای خاطر یک جرعه زندگی  
با گردهای مجروح  
باید تمام خیابانهای دنیا را  
برویم،  
باید  
موسیقی چکمه‌های اریایانم را  
پریندم،  
اما - خود- اینچنین که می‌بینید،  
عریانم  
پاهای و دستها را می‌بینید؟  
زخم جراحاتشان را...؟

نام مرا تمام جهان می‌داند،  
در «بیرمنگام» فاستونی می‌یاقم  
در «اتازونی» دشتها را بارور می‌کنم  
و در «پردو» تاکستانها را...  
در «کروپ» فولادریزم  
و در «مونسو» معدن‌کار  
اما - اگر باشد -  
سرم من از جهان  
آفتاب کوچک است  
که بگفتنش نمی‌ارزد،  
زندگانی را می‌بینید؟  
- زندگان را -  
زجر و حقارتشان را...؟

نام مرا تمام جهان می‌داند،  
من در مکاره «وال استریت»  
خرید و فروش می‌شوم  
و در «گوادالوپ» به ریشم می‌خندند!  
این روبه‌پایان معدن‌کشاد  
- این فراک پوشان -  
می‌خواهند،  
برای من، اینان  
تسمیه‌های تازه بیافند!  
اما، دیگر من  
گردن به یوغ و کند نخواهم سپرد،  
فولاد چهره‌ها  
و مشتها را می‌بینید؟  
شکوه و هیبتشان را...؟

نام مرا تمامی جهان می‌داند،  
من در محله‌های دنیا  
آزادی را فریاد می‌زنم،  
در «مانهاتان»  
«مارسی»  
«سانتیاگو»  
«خارطوم»...  
آنجا که غول تشنه سرمایه  
نقیر می‌کشد،

آنجا که کار بی‌مزد است  
و سفله‌گان همه فرمانروا،  
فریاد می‌زنم:  
آی... آزادی  
نان از تو زاده می‌شود،  
اندیشیدن نیز...  
من از تمامی ویرانه‌های دنیا  
- حصیر «آباد»  
حلیی «آباد»  
کافه «آباد»  
....

از این خرابه‌های جهان  
فریاد می‌زنم،  
دهان‌ها را می‌بینید؟  
طنین فرم‌شان را...؟

نام مرا تمام جهان می‌داند،  
در «سووتو» تیربارانم می‌کنند،  
در «آلاباما» لیتج می‌شوم،  
در «تل‌آویو» چشم‌انم را،  
با آهن گذاخته می‌سوزانند  
و در «جاکارتا»  
رودخانه‌ها  
با خون عاشقم سرشارند  
و در مصب هر جزیره گمنام  
سرود فاجعه می‌خوانند،  
آه...  
این سینه‌های عطشان را می‌بینید؟  
زخم مضامشان را...؟

نام مرا تمام جهان می‌داند،  
من از تمام خطه‌های گرفتار  
من از هر مدار رنج  
من از مسیر استوائی بیکار  
می‌آیم  
و از سراسر خونپنه‌های خشم  
تا شارع بزرگ و خونی طفیان  
می‌رانم،  
پرچمها را می‌بینید؟  
امواج پر تلاطمشان را...؟

اینک، این من!  
این ما! برادران و خواهران ستمبر  
این ارتش مسیب و سرخ و ستیپنده  
یا پتک و داس آخته‌شان  
یا ترمش مداوم تندن شکافشان  
از هرگجای این ستم‌آباد  
برای فتح نیم دیگری از دنیا!  
می‌آیند

اینک،  
نهییب تیره دریاها را می‌بینید؟  
طوفان سرکششان را...؟

آی بردگان بیخاسته  
اهای برنجکاران خسته  
تفتنداران صحرا  
جنگجویان عرب  
و شما  
رفقای محروم کشورهای ستم و سرمایه  
اینک ببینیدم  
اینجا در ایران  
که چگونه قلم را شقه میکنند  
تا هر تکه آنرا جداگانه  
اعدام کنند  
آری ببینیدم که چگونه  
در این روز اول ماه مه  
در کوشی دردناک  
قلم را گردآوری میکنند  
تا با این پرچم خونین در دست  
و در جیبهای متحد  
سپاه کار را بر صف سرمایه  
پیروز گردانم.



تظاهرات در نخستین اول ماهه پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸/۲/۱۱) در تهران



یکی از تظاهرات اول ماه مه قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



تظاهرات در نخستین اول ماهه پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸/۲/۱۱) در تهران

ایران قرار میدهند، بیش از پیش مورد تأیید کارگران قرار بگیرد. کارگران گرایش قویتری به عضویت در حزب توده ایران نشان میدهند که علامت آن بازار و تعدد است.  
حزب توده ایران و طبقه کارگر ایران از هم جدا نیستند. علیرغم تلاش امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب داخلی، دیوارهای مصنوعی ایجاد شده بین حزب توده ایران و طبقه کارگر بیش از پیش درهم فرو میریزد و حزب و طبقه کارگر ایران بیش از پیش به استقبال هم می‌روند. در اینکه این روند رفته رفته فراگیرتر خواهد شد، کوچکترین شک نیست. حزب توده ایران به همین جهت حزب یقین به آینده با خوش بینی متنگرد، همانطور که نسبت به دوام و پیروزی انقلاب، کمترین شک و تردید ندارد.  
با در نظر گرفتن کلیه جهات یاد شده است که به درستی در شمارهای کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت جشن کارگری اول ماه مه، از کارگران ایران دعوت بعمل آمده است:  
کارگران ایران! در سازمانهای صنفی (سندیکا - اتحادیه) و حزب سیاسی خود، حزب توده ایران متشکل شوید!  
یقین است که کارگران ایران به حزب خود، حزب توده ایران، پاسخ مثبت خواهند داد و متشکل‌سنتز و سیاسی طبقه خود را تسریع خواهند کرد.

و خلق ما قرار دهند.  
بالاخره طبقه کارگر ایران در مرحله پس از پیروزی انقلاب، که محدودیتهای فعالیت احزاب سیاسی بیکرک سرنگونی رژیم دست‌نشانده از میان برداشته شده، نیازمند فعالیت سیاسی بمعنای واقعی کلمه است. تنها از راه این فعالیت است که طبقه کارگر ایران میتواند در سرشست کشور و جامعه مؤثر واقع شود و در جهت تحکیم انقلاب بسود هدفهای طبقاتی خود آگاهانه گام بردارد.  
اکنون طبقه کارگر مدعیان بسیاری پیدا کرده است. اما طبقه کارگر ایران آگاه است که این مدعیان، دوستان ناپایدار و یا دروغین طبقه کارگراند و طبقه کارگر ایران جز یک حزب سیاسی - کارگر توده ایران، سازمان سیاسی امتحان‌داده دیگری ندارد.  
حزب توده ایران در گذشته، با دادن قربانیهای بشمار، صداقت خود را به آرمانهای طبقه کارگر نشان داده و اکنون نیز با استفاده از تجارب غنی که طی قریب چهل سال عمر خود به قیمت سنگین‌بمست آورده، بیان‌کننده منافع واقعی طبقه کارگر در مرحله کنونی انقلاب سدابریالیستی، دمکراتیک و خلقی است.  
"سخت سیاست حزب توده ایران در دفاع بیکرک منافع طبقه کارگر و جهت‌یابی صحیح آن در جریان انقلاب، علیرغم تلاش امپریالیسم و ارتجاع، که هر روز کوهی از تبلیغات خصمانه را در برابر پیشرفت حزب توده

متشکل باشند و قدرت این تشکل را، که از نظر هدفهای انقلاب نیز ضرور است، در عین حال پشوانه تحقق‌خواستهای صنفی و اجتماعی خود، چه در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی و چه در برخورداری از آزادیهای دمکراتیک - در برخورداری از حق انحصاب، تظاهر و اجتماعات کارگر - قرار دهند.  
همین گذشت یکسال و اندی پس از پیروزی انقلاب خود بوضوح نشان میدهد که خواستههای طبقه کارگر در بهبود شرایط کار و زندگی، رهائی از بیکاری و گران، رهبری بر تدوین قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی و برخورداری از آزادیهای دمکراتیک بطور خودبخودی جامه عمل نمی‌پوشد. تحقق این خواستهها مستلزم مبارزه جمعی خود کارگران است و کارگران تا از تشکل صنفی و طبقاتی برخورداری نداشته، حرفشان بقول معروف «در زور ندارد». بدین لحاظ میتوان با صراحت اظهار داشت که گره اصلی در اینکه تقاضاهای طبقه کارگران در زمینه بسود شرایط کار و زندگی برآورده نمیشود، همان عدم تشکل صنفی و طبقاتی آنانست، چه با لحاظ ضرورت خروج از وضع نابسامان کنونی، و چه از نظر ضروریتهای انقلاب، این وضع باید خاتمه یابد و کارگران هرچه سریعتر به ایجاد سازمانهای توده‌ای سندیکائی و اتحادیه‌ای روی آورند و تشکل صنفی خود را وثیقه شدت مؤثر درجریان انقلاب، بسود هدفهای انقلاب سدابریالیستی، دمکراتیک

## تشکل کارگران در...

بیمه را پرداخت میکنند، از حق نظارت بر این سازمان محروم‌اند و مملو نیست صدها میلیارد ریال پول، که در سالی تسلط طاقت از آنان گرفته شده، در کجا خرج شده است.  
در یک کلام، وضع طبقه کارگر، به معنای واقعی کلمه، دردناک و غیرقابل تحمل است. در شرایط پس از پیروزی انقلاب، نیاز به تغییر و تحول کیفی در این وضع بسود کارگران است، که لازمه آن تنظیم و تصویب قوانین مترقی و انقلابی کار و تامین اجتماعی بسود کارگران و تغییرات جدی در همه سازمانهای مملکتی ودولتی است، که بنحوی از انشاء با کارگران سروکار دارند.  
سؤال میشود که: تحولات ضرور برای تغییر در وضع طبقه کارگر بجه صورت و با کمک چه ارگانهایی میتواند صورت بگیرد؟  
پاسخ اینست که: تا طبقه کارگر خود مالک سازمان طبقاتی متشکل نباشد، هیچ تغییری در وضع آن صورت نخواهد گرفت. تغییرات ضروری که کارگران ایران بحق در دوران پس از انقلاب خواستار آن هستند، قبل از همه مستلزم آنست که کارگران در سازمانهای صنفی خود

تشکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران ضرورت تأخیر ناپذیر مرحله کنونی انقلاب ایران، وثیقه معتبر تأمین خواستههای اجتماعی، رفاهی و سیاسی طبقه کارگر است طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز

# افتخار به طبقه کارگر - قاطعترین نیروی ضد امپریالیستی و خلقی ایران

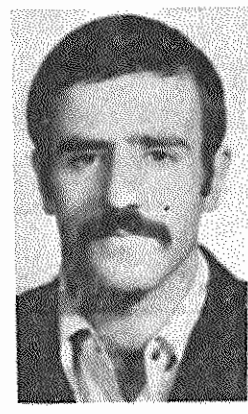
## مستحکم باد تشکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران



حزب توده ایران

## به یاد کارگران آگاه شهیدان توده‌ای

### محمد جانجانیان و نادر عبدالمناف



رفیق شهید محمد جانجانیان

طبقه کارگر ایران شهیدان بیشماری را به خود دیده است. اما آنچه طبقه کارگر ایران هیچگاه از یاد نخواهد برد، شهادت کارگر مبارز، رزمنده توده‌ای، شهید محمد جانجانیان است.

شهید محمد جانجانیان در همدان بدنیا آمد. اواز همان کودکی مزره فقر را چشید، خانواده‌ای که محمد در آن بدنیا آمده بود، یکی از فقیرترین خانواده‌های همدان بود. او تا ۱۴ سالگی در همدان ماند. اما شرایط زندگی او را واداشت تا برای گذران زندگی خود به تهران بیاید. در تهران روزها کارگری می‌کرد و شبها درس می‌خواند. اما به علت فشار شدید زندگی نتوانست به تحصیل ادامه دهد و کلاس ۱۱ دبیرستان بود که ترک تحصیل کرد.

با این پدیده چه کند، اما پس از مدتی دریافت که نباید سنگترا خالی کند. باید با همین شرایط به کار و فعالیت می‌گردد و خستگی ناپذیر بردارد. او که دیگر خوب به شیوه مبارزه در آن شرایط خفقان می‌برده بود، از سوزی در امر اتحاد طبقه کارگر برای دفاع از منافع صنفی خود فعالیت پرداخت، و از دیگر سوسیالیست‌ها به لزوم فعالیت سیاسی و نیروی ریشه‌ای علیه رژیم فاسد موجود پی برد و به کار سیاسی مخفی روی آورد. او با درایت و با پختگی روزافزون این دو جنبه فعالیت صنفی و سیاسی، علمی و روشنفکرانه را بهم می‌آمیخت. همین شیوه محمد باعث شده که از طرفی در بین توده کارگر از حیثیت و اعتبار خاصی برخوردار شود و از طرف دیگر، رفقای جدیدی با او آشنا شوند و هسته محکمی بدور او گرد آید.

این آشنایی‌ها تاثیر بسزایی در چرخش افکار او داشت. محمد از جوانی به مطالعه عشق می‌ورزید. شعر را دوست داشت. و در هر جا و هر مکان که فرصت می‌یافت به مطالعه کتب و جمع آوری اشعار می‌پرداخت. او از طریق دوستان جدید خود کتب و نشریات علمی دست پیدا کرد. برای او مطالعه آثار علمی ارزش فراوان داشت چه از این طریق او می‌توانست به کتب مسائل روز و واقعیت جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند، دریابد. هر کتب و جزوه را در عرض یک تادوشب می‌خواند و سپس به تکثیر آن می‌پرداخت ( در آن دوران او مطالب را دستنویس می‌کرد).

فعالیت دائمی او در سندیکا و عشق او به طبقه کارگر بیش از پیش به حیثیت و محبوبیت او می‌افزود. او انسان بسیار فداکاری بود، و بتدریج به محور فعالیت‌های سندیکایی بدل شد. او با مانات دعاها را می‌خواست و برای هر مشکلی راه حلی پیدا می‌کرد. ضرورت وحدت و مبارزه را تقهیم می‌کرد.

در حدود سالهای ۵۵ با کمک تنی چند از دوستان خود یک محفل مخفی را تشکیل دادند. با تشکیل این محفل مخفی کارگری چرخش دیگری در افکار محمد پیدا شد. او که با مطالعه پیگیری و برخورد با واقعیات می‌برده بود که طبقه کارگر متحد همه چیز است و متفرق هیچ چیز، اینک می‌برده بود که این طبقه کارگر باید در یک حزب سیاسی که بیانگر منافع اساسی طبقاتی و مدافع آرمان او باشد متشکل گردد. او برای پیدا کردن چنین حزبی به همدان می‌رفت. بالاخره بدنبال جستجوی فراوان توانست خاخر و خاشاک و رسوبات تبلیغات شاهی - امپریالیستی را بکنار زند و این گردان بیشتر و آگاه سیاسی طبقه کارگر را پیدا کند.

او دریافت که حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. از این دوران به بعد او با کمک رفقای خود از طریق رادیو پیک ایران، به تکثیر مقالات و آگاهی که از این طریق پیش می‌شد، پرداختند. پس از مدتی، این محفل حزبی در برابر با سازمان نوید - سازمان زیرزمینی حزب توده ایران - در ایران، قرار گرفت. از این زمان به بعد فعالیت او شبانه‌روزی شد. و در عین حال به کار مستمر و خلاق در سندیکایی بافنده سوزنی می - پرداخت. او که بنابه خصلت‌های مردمی و شخصیت انسانی‌اش از



رفیق شهید محمد جانجانیان هنگام ایراد سخنرانی در یکی از جلسات سندیکا

**به محرومیت‌های ملی بر خلقهای ایران پایان دهید. کارگران خواستار برابری حقوق همه خلقهای ایران هستند. با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد و بسود انقلاب ایران حل کنید**

کارگر توده‌ای دیگر که در جریان نبرد مسلحانه بهمن ۵۷ شهادت رسید، رفیق شهید، نادر عبدالمناف است. او در مکتب حزب خود، حزب توده ایران آموخته بود که چگونه بیاندیشد، و چگونه برزد. او در زادگاهش - زادگاه ستارخان‌ها، باقرخان‌ها و وحیدر عموغلی‌ها - بخوبی با در و رنج مردم غمزه آشنا شده بود. او میدانست که تنها با تشکیل طبقه کارگر در حزب خود - حزب توده ایران - می‌تواند کارگران را به همراه دیگر اقشار اندوه فراوانی یاران و کارگران عضو سندیکارا فراگرفت زیرا محمد بخوبی، کارگران را می‌شناخت و با دردهای آنها آشنا بود. و از حیثیت و شخصیت والا بی برخوردار بود و مورد علاقه همه کارگران قرار داشت. از محمد همسر و دو فرزند پناهای مریم و میترا بجای مانده است. یاد محمد گرامی باد.

۵۷ شمار تدارک مبارزه مسلحانه را داد. محمد و یارانش نیز به پیروی از این شعار آماده نبرد شدند. داوود نبرد مسلحانه خلق علیه ارتش مزدور شاه مخلوع در بهمن ۵۷، آن زمان که محمد در میدان نبرد به کمک مجروحین شتافته با کوله‌های مزدوران که به منقش اسبابت کرده از پای درآمد. محمد در بهمن ۲۳ بهمن ۵۷، در میدان ارگ شهید گشت. با شهادت محمد جانجانیان کارگر مبارز و توده‌ای رزمنده، اندوه فراوانی یاران و کارگران عضو سندیکارا فراگرفت زیرا محمد بخوبی، کارگران را می‌شناخت و با دردهای آنها آشنا بود. و از حیثیت و شخصیت والا بی برخوردار بود و مورد علاقه همه کارگران قرار داشت. از محمد همسر و دو فرزند پناهای مریم و میترا بجای مانده است. یاد محمد گرامی باد.

خلق، به فعالیت محمد و یاران او افزوده شد. پختن سریع هفت‌نامه «نویسه» در اس تمام کارها قرار داشت. او بخش نوید و دیگر نشریات حزبی را بدقت انجام میداد. او در مورد کار مخفی از حزب خود رهنمود می‌گرفت و آنها را بخوبی بکار می‌برد. او بخوبی میدانست که در شرایط حساس آن زمان باید هم از طریق متحد کردن طبقه کارگر و اتحاد این طبقه با دیگر اقشار خلقی رژیم خود فروخته شده خائن راسرنگو ساخت. او بکمک یاران حزبی خود در ارتقاء سطح مبارزه طبقه کارگر ایران، ددیی رهنمود های حزب توده ایران، پیگیرانه عمل مینمود. آن زمان که در مقابل رژیم خود فروخته اعلام حکومت نظامی کرد. حزب توده ایران شمار «با» اعتصاب حکومت نظامی را فلج کننده، را داد. محمد و یارانش با کوشش فراوان این شمار را به کارخانه بردند. و آن زمان که حزب توده ایران برای در هم شکستن مقاومت رژیم در آغاززستان

طرفی و شناخت مسائل کارگران از طرف دیگر به عضویت هیئت مدیره سندیکای بافنده سوزنی درآمد بود، توانست از این طریق ثمرات اتحاد طبقه کارگر را نشان دهد. او به کارگران نشان میداد که تنها اتحاد آنها ضامن پیروزی آنهاست. کارشبهانه روزی محمد از سوی دیگر در خارج از سندیکا نیز متشکل شده بود. مطالعه و تحقیق از یک طرف و فعالیت و نمر بخش در راه انجام وظایفی که سازمان نوید معین می‌کرد از طرف دیگر تمام وقت او را پر می‌کرد. با تمام این احوال و علیرغم این همه فعالیت‌های پر شور و مداوم محمد خانواده خود را هیچگاه از یاد نمی‌برد. یکی از خصایص مثبت محمد عشق به خانواده بود. او علیرغم پندار برخی‌ها که کار سیاسی را مخالف زندگی خصوصی و خانوادگی میدانستند، این دورا مکمل یکدیگر میدانست. او به همسر خود و فرزندان خود عشق می‌ورزید. با بالا گرفتن جوشش نیروی